



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

در رابطه با اول ماه مه

گفتگو با مظفر محمدی و خالد حاج محمدی



خالد حاج محمدی



مظفر محمدی

اسماعیل ویسی از طرف ایسکرا با مظفر محمدی و خالد حاج محمدی گفتگو کرده و سولاتی را از آنان طرح کرده است. متن این مصاحبه ها را در این شماره ایسکرا میخوانید.

اول ماه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر در راه است، رهبران عملی و کارگران کمونیست و رادیکال و کلا کارگران در کردستان چکار باید بکنند؟

مظفر محمدی: من فکر میکنم چه باید کرد کارگران برای خود فعالین

و رهبران کارگران روشن است و در این زمینه هم تجارب فراوانی وجود دارد. مهمترین مساله از نظر من برداشتن موانعی است که پیش پای کارگران وجود دارد. چیزهایی که مانع شرکت وسیع و توده ای کارگران در بزرگداشت روز کارگر است. میدانم که بعضی از این موانع دست خود کارگران نیست از قبیل اختناق و فشار و تهدیدهای رژیم و یا دخالت عوامل و نهادهایش مانند خانه کارگر و اداره کار در مسایل کارگران برای منحرف کردن آن و خالی کردنش از محتوای مبارزاتی و رادیکال... اما تلاش برای بسیج و قانع کردن توده هر چه وسیعتر

بیکاران قرار دارند، آستین ها را بالا بزنند و به کلیه کارخانه ها و کارگاهها و مراکز کار و پاتوقهای بیکاران و محلات کارگر نشین سر بزنند و به میان خانواده های کارگری بروند و آنها را به شرکت در مراسمی بزرگ و با شکوه تشویق کنند و اطلاعیه ها و دعوتنامه هایشان را صفحه ۲

کارگران به برپائی مراسم و راهپیمایی و هر شکل ممکن دیگر ابراز وجود توده کارگر، دست فعالین و رهبران است. و این کاری علنی و اجتماعی است. اگر در هر شهر تعداد قابل توجهی فعال و رهبر سرشناس کارگری که خود عضو مراکز کارگری و کارخانه و کارگاهها هستند، و یا در صفوف

پایانی که از اول پیدا بود

آخر و عاقبت "جبهه کردستانی!"



فاتح شیخ الاسلامی

fateh_sh@yahoo.com

کمپین "جبهه کردستانی!" که با پیش پرده ای از تقلب و نعل وارونه توسط باند مهتدی براف افتاد، چند ماهی در دایره دروغ و دیپلماسی مرسوم جریانات ناسیونالیست کرد چرخید و عاقبت در لجن خود فرو ماند. باند مهتدی مانده اند که چگونه این مرکب را از گل بیرون کشند. اخیرا عبدالله مهتدی با اسم مستعار مهین صادقی، در نوشته ای راجع به این "دیپلماسی پشت

پرده"، ضمن گله از سردواندن ها و تحقیرهای حزب دمکرات، خواستار آنست که شرط و شروط و مخالفت آن حزب در روند دیپلماسی کذایی، علنی شود تا به خیال او "مبارزان کردستان به حزب

سایت بروسکه لیست سیاه اطلاعات

صفحه ۴

رژیم اسلامی را تکمیل می کند

امید مردم عراق کدام نیروهاست؟

ایرج فرزاد

مسکن بی خاصیت به نظر میرسد. کشتار بیرحمانه مردم فلوجه حتی صدای برخی محافل ژورنالیسم رسمی و دولتی غرب را هم در آورده است. واحدهای "ارتش عراق" که توسط ارتش آمریکا سازماندهی شده اند از شرکت در عملیات سرکوب شورش مردم فلوجه امتناع کردند، اما در مقابل نیروهای "کرد" وابسته به احزاب دخیل در شورای حکومت موقت عراق، که آنها هم توسط آمریکائیهها سازماندهی شده اند، شانه به شانه نیروهای آمریکائی در کشتار مردم فلوجه شرکت کرده اند. خود همین مساله بر دامنه نفرت قومی و ملی و عشیره ای بین کرد و عرب به مراتب افزوده است و دورنمای انتقامجوییها و پاکسازیهای دیگر و به مراتب خونین تری را مخصوصا در شهرهای مانند کرکوک سیاه تر و خونین تر میکنند. نیروهای "آزادببخش" ارتش آمریکا

صفحه ۲

اوضاع عراق رو به وخامت گذاشته است. دولت اسپانیا اعلام کرده است تصمیم گرفته است که بخاطر بالارفتن تلفات انسانی، هر لحظه ممکن است نیروهایش را از عراق خارج کند. بسیاری از پروژه های "بازسازی" عراق عملا تعطیل شده و تعداد زیادی از کارکنان شرکتهای مقاطعه کار این پروژه ها به کویت رفته اند. برمر گفته است که شرایط برای واگذاری قدرت به "مردم عراق" در موعد مقرر آماده نیست. بوش در ملاقات با بلر اقرار کرد که "مردم عراق نمیخواهند کشورشان تحت اشغال بماند". تصمیم فرمال سپردن عراق تحت نظارت سازمان ملل به همان اندازه ای که در مورد بحران فلسطین و اسرائیل روی کاغذ مانده است، فرمایشی و دفع الوقت و یک



سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

فاکس: 00448701687574

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رایلو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:

سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگو با مظفر محمدی و خالد حاج محمدی

ادامه از صفحه ۱

برای کارگران بفرستند و به تابلوهای اعلانات کارخانه و کارگاه بچسبانند پلاکادهایشان را در خیابانها و سر درب کارخانه ها برافرازند. مطمئنم چشم و گوش زیادی به این مساله باز میشود و نیروی بزرگی جمع میگردد. علاوه بر آن تلاش برای پیدا کردن راههای اجرای عملی این کار است که فکر میکنم کارگران خود چم و خم این کار را بلدند. و بطور قطع مجبور کردن نهادهای دولتی به تن دادن به اجتماع کارگران همین پشتوانه توده‌ای و بسیج عمومی و فراخوانها و دعوتها و سرزدها و آوردن کارگران و خانواده‌هایشان به این میدان است. این کاری است که متأسفانه در سالهای گذشته کمتر به آن بها داده شده و یا کمتر وقت صرف آن گشته است... ما امسال انتظار داریم در شهرهای بزرگ شاهد اجتماع هزاران و دهها هزار نفری کارگران و خانواده‌هایشان و دستداران کارگران در میان معلمان، جوانان، زنان و دیگر اقشار اجتماعی باشیم...

میدانیم که برگراری متینگ و مراسمهای اول ماه مه در

سراسر دنیا عملی است، اما حکومت اسلامی میکوشد که، این حرکات را کوچک کند و عموماً در نقاط و سالنهای سرپوشیده انجام گیرد و یا با دخالت خود آن را تحت کنترل در آورده و یا رنگ دولتی به آن بزنند، بنظر شما، برگزاری مستقل و عملی این مراسمها چگونه و به چه شیوه‌هایی میسر است؟

مظفر محمدی: این همیشه شگرد رژیم بوده است که هر طور شده جلو این ابراز وجود طبقاتی و اجتماعی کارگران را بگیرد و یا آن را محدود کند و یا با دخالت در آن لووش کند... و البته کارگران و فعالین و رهبران کارگران هم کوشیده اند این شرکدها را خنثی کرده و راه مستقل خود را بروند. این دیگر سنتی جا افتاده است که مراسم اول مه کارگران مستقل از دولت و خانه کارگر و ادارات کار و یا دخالت این و آن عنصر پلیسی و همکار رژیم است. رژیم اسلامی در نمایشی مسخره به نام هفته کارگر، در هر

روز این هفته پرده ای از اعمال ضد کارگری و رسوایش را به نمایش میگذارد و به تعدادی هم جایزه میدهد. با وجود این هیچوقت موفق نشده است بجز عوامل و همکاران خودش تعداد قابل توجهی کارگر را دور این برنامه‌ای مسخره اش جمع کند. اما خنثی کردن فشارهای پلیسی رژیم باز هم بر عهده فعالین و رهبران کارگران است که هر چه تعدادشان بیشتر باشد، هر چه با نفوذتر و محبوب کارگران باشند و هر چه بیشتر کارگران خانواده‌هایشان را بتوانند بسیج کنند. این تنها راه شکستن سد و موانعی است که رژیم به عنوانین مختلف از جمله حتی تهدید و ارعاب به آنها متوسل میشود. من فکر میکنم امسال اجتماعات بزرگ کارگری در میادین شهرها و حتی تظاهرات آنها در خیابانها ممکن است. مگر کارگران چه میگویند و چه میخواهند؟ کارگران میخواهند خود و خانواده‌هایشان کوچک و بزرگ در اجتماع هزاران و دهها هزار نفری در میدان شهر، در پارکی بزرگ و یا خیابان و یا زیر یک سقف در بزرگترین سالن شهر دور هم جمع شوند و جشن بگیرند و بچه‌هایشان بخندند و شادی کنند و بازی کنند و شیرینی پخش کنند و پیام آزادیخواهی و انساندوستی و عدالتخواهی و برابری طلبی شان را به جامعه اعلام کنند. کارگران روزی است که طبقه کارگر در سراسر

جهان در يك ابراز وجود اجتماعی قدرتمند به میدان می آید و ادعایمانه اش را علیه نظام پرده‌گری مزدی به جهان اعلام میکنند. و همین به خودی خود صفوف طبقه کارگر را فشرده تر و همبستگی و حمایت بخشهای مختلف کارگران را از همدیگر را تقویت میکنند. اما فراتر از آن در این روز بنا به سنت جنبش اول مه در ایران، کارگران خواستهای فوری خود را نیز مطرح میکنند. دستمزدهای معوقه را میخواهند، افزایش دستمزد میخواهند، بیمه بیکاری میطلبند، آزادی و حق تشکّل و اعتصاب میخواهند و از این قبیل. بنا بر این میتوان گفت که اول مه هر سال قاعدتاً يك شروع و یا سکویی است که کارگران از آن استفاده کرده، هم خواستهایشان را به گوش صاحبکاران و سرمایه داران و دولت حامیشان میرسانند و هم صفوف خود را برای مبارزه برای تحقق این خواستها فشرده و منسجم کرده و فرا میخوانند... علاوه بر آن این ابراز وجود اجتماعی کارگران بنا به سنت اول مه های تاکنونی، طبقه کارگر را به عنوان نیروی اصلی و وزنه‌ای تعیین کننده در توازن قوای اجتماعی و مبارزه برای آزادی و برابری معرفی میکند و این خود به رشد مبارزه اجتماعی و توده ای و تقویت روحیه دیگر اقشار اجتماعی کمک میرساند. برای مثال

با توجه به موقعیت حکومت اسلامی و بحران عمیق و لاعلاج سیاسی اقتصادی و تحمیل فقر و بیکار سازینها و نپرداختن دستمزدهای معوقه کارگران، متینگ و مراسمهای اول ماه مه در کردستان، و کلا عرض اندام طبقه کارگر چه تاثیراتی بر مبارزات کارگری و سیر عموماً رویدادها خواهد گذاشت؟

مظفر محمدی: اول مه در اساس روز همبستگی بین‌المللی کارگران و روزی است که طبقه کارگر در سراسر



اسلام سیاسی در مرض سقوط و فروپاشی به مرز آخرین مراحل جنون آدمکشی رانده میشود. در چنین شرایطی فقط يك راه خروج از بن بست وجود دارد: پایان دادن به سیاست حاکمیت توپ و موشک و رژه تانکها و دست برداشتن از روی ماشه‌ها و سپردن سرنوشت عراق به نمایندگان واقعی مدنی در آن جامعه. دوره دیگری از عرض اندام نیروهای مدافع انسانیت و حفظ شالوده مدنی جامعه عراق گشوده شده است. مردم عراق، با حمایت جهان متمدنی که با نیروی میلیونی خود علیه جنگ و اشغالگری به میدان قدم گذاشت، بی صبرانه امید به این تنها آلترناتیو بسته اند.

۱۹ آوریل ۲۰۰۴

**به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!**

ذوق زدگی ناسیونالیستها و قوم پرستان کرد از "اعطای" فدرالیسم به "کردها" سنگ روی یخ شد. در چنین اوضاعی دست گرفتن سران احزاب عشیره‌ای کرد به کلاه خود و چاره اندیشی برای موقعیت مبهم و متزلزل آتی، از هم اکنون در دستور کارشان قرار گرفته است. تجدید آرایش و حتی از سرگیری جدالهای دیرین بر سر تقسیم فیفتی-فیفتی معروف کردستان عراق دوباره سر باز میکند و بیم اینکه اوضاع آویزان مدنیت در کردستان عراق بیش از پیش آشفته تر و زندگی مردم باز هم بیشتر در معرض سیاست بازیها و دیپلوماسی "کردی" احزاب عشیره ای قرار بگیرد افزایش می یابد. در چنین اوضاعی جمهوری اسلامی در سراسری سقوط، مجال تجدید نفس می یابد و هر چند کوتاه مدت، اما اسلام سیاسی را بعنوان عامل مهم بی ثبات کردن عراق تحریک میکند و فرصت به آن میدهد. به این ترتیب

اسلام سیاسی، و تقسیم این نیروی سیاه به عناصر "تندرو" و "معتدل"، که یکی از مهمترین عوامل بی ثباتی و بحران لاینحل در ایران و عراق و خاورمیانه و حتی بانی و محرک ناامنی در گوشه و کنار جهان است، از يك طرف و نادیده گرفتن مطلق حقوق و منافع و تصمیم و اراده مردم از طرف دیگر، يك رکن پایه ای این دیپلوماسی است. تشدید بحران جاری عراق و خارج شدن کنترل اوضاع از دست نیروهای "اشغالگر" زرمزه تغییر سناریوهای اداره عراق را در دستور بوش و بلر قرار داده است. در همان ملاقات بوش و بلر در روز جمعه گذشته بحث از نوع دیگری از انتقال قدرت به میان آمد. فعلاً قرارشان این شده است که يك "حکومت انتقالی" را سازمان بدهند. شورای حکومتی فعلی عملاً حتی روی کاغذ هم از هیچ قدرتی برخوردار نیست و بنابراین همه وعده و وعیدها و تمام

عراق به سرپرستی حسین صادقی از ماموران وزارت خارجه رژیم اسلامی با يك ژنرال آمریکائی در بغداد و تلاش ۵ روزه "دیپلوماتیک" برای دخالت دادن جمهوری اسلامی بعنوان "میانجی" نشان داد که يك عامل باز کردن پای جمهوری اسلامی برای دخالت در عراق و ایجاد شبکه های نفوذی، برمر و فرماندهان ارتش آمریکا در عراق اند. جولان این نیروهای سیاه و مرتجع و تحریک بیشتر آنها در هفته های اخیر در پرتو جنگ خونینی انجام گرفت که ارتش آمریکا و نیروهای متحد آن زمینه واقعی آنرا فراهم کردند. بانیان سناریو سیاه خود بعنوان هیاتهای حل بحران و راه برون رفت، وقتی هم به راه حل سیاسی فکر میکنند، کماکان و مثل همیشه به دیپلوماسی سری آنها فقط در میان خود روی می آورند. واقعی گرفتن و برسمیت شناسی نیروی ضد انسانی و خونین

امید مردم عراق ... ادامه از صفحه اول

در اولین اقدامات بعد از سرنگونی صدام از زیر هر لجنی يك رهبر قبیله و قوم و دین و مذهب و هر جاسوس و دیپلومات تربیت شده سیا و پنتاگون را بیرون کشیدند و بعنوان "نمایندگان" مردم تحت حمایت خود گرفتند و چون آلت دستهای بی اراده و نوکر منش، بر مردم عراق حاکم کردند. طلبه متعصب و گمنامی چون مقتدا صدر را بعنوان نماینده "جهاد" شیعیان در کنار موجودات و نیروهای کثیفی چون سیستانی و مجلس اعلا و ارتش بدر بالای سر مردم عراق قرار دادند و بدینوسیله آنها را که در کنف حمایت جمهوری اسلامی راه اندازی و ساخته شدند بعنوان بیانگر اراده مردم عراق لانسسه کردند. ملاقات هیات جمهوری اسلامی اعزامی به

پایانی که از اول پیدا بود

از صفحه ۱

دمکرات فشار بیاورند! جبن سیاسی و آبروداری فرقه ای مانع از اعتراف مستقیم به این واقعیت است که کمپین "جبهه کردستانی" شان مفتضحانه شکست خورده است. اما عمق بلاهت و درماندگی این جماعت فراتر از این حرفاست: کسانی که از راه کمپین علنی، رفت و آمدهای متعدد، انتشار مکرر عکس نشست و برخاستها و غیره نتوانسته اند به حزب دمکرات "فشار" بیاورند تا در راه خدا و "وحدت ملی" با آنها ورقه ای امضا کند، حالا میخواهند با

فعالین کارگری مطرح است در این زمینه چه میگویند؟

مظفر محمدی: درست است. چنین تلاشی وجود دارد و این در صورت موفقیت گام مهمی طبقه کارگر را به سوی مبارزه سراسری و اتحاد و تشکل جلو میبرد. اما شرط موفقیت این تلاشها هم در این است که نیروی وسیعی از کارگران خانواده های کارگری و حامیان کارگران در میان معلمان، زنان، جوانان و غیره در این روز بسیج و گردآوری شوند. برای مثال قطعنامه مشترک و سراسری زمانی میتواند موثر باشد که دهها و صدها هزار کارگر در میادین شهرها و در خیابانها و یا در سالنهای بزرگ آن را

گفتگو با مظفر محمدی

هم اکنون مبارزه و اعتصاب معلمان وجود دارد و فردا پرستاران می آیند و روز دیگر زنان و جوانان علیه تبعیض و فشارهای اخلاقی رژیم میشوند... طبقه کارگر هر سال اول مه حمایت خود را از مبارزه معلمان و از خواستهای برابری زن و مرد و آزادیهای فردی و اجتماعی بیان کرده است. این هم یک وجه دیگر تاثیر اجتماعات بزرگ کارگری در اول مه است.

امسال زرمزه سراسری شدن مراسمهای مه و قطعنامه مشترک و سراسری در میان

گفتگو با خالد حاج محمدی
اهمیت اول ماه مه در چیست و از نظر شما اگر شما در نقش یک فعال در محل ظاهر میشدی بیشتر روی کدام جنبه از کار تاکید میکردی؟

خالد حاج محمدی: اول ماه مه روز جهانی کارگر است، روزی که کارگران در سطح جهان به عنوان یک طبقه به خیابان میایند و کیفرخواست خود را علیه نظام سرمایه داری اعلام میکنند و اهمیت آن در همین است. این روز روز همبستگی جهانی طبقه کارگر است، روزی که خرافه مرزها، میهن، مذهب، زبان، فرهنگ، نژاد و جنسیت به دور انداخته میشوند. روزی که واری همه اینها به عنوان

کارگر، به عنوان سازندگان این دنیا، به عنوان انسانهای همسرنوشت به میدان میایند، علیه این نظام و زندگی نکبت باری که به کارگران و مردم تحمیل کرده اند اعلام جرم میکنند. طبقه کارگر در این قدرتمندی خود همزمان شمه ای از مطالبات خود را، عکسی از آن دنیای انسانی که میخواهند در مقابل جامعه به نمایش میگذارند. به عقیده من این حرکتی شورانگیز است و اهمیت اول مه در همین است.

در این روز اقدامات متنوعی در دستور فعالین و رهبران کارگری و انسانهای سوسیالیست و برابری طلب میتواند قرار بگیرد، اما با تمام اینها من روی چند نکته که از نظر من مهمترین هستند، تاکید

ساخته نیست.

عبدالله مهدی برای فرار از این واقعیت تلخ، پروبال میزند که پناهگاه واهی دیگری پیدا کند: گویا احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق به "فدرالیسم" شان رسیده اند و در نتیجه در کردستان ایران هم شعار فدرالیسم که "اول بار توسط آنها طرح شده" حالا دیگر "از نخبه به توده" جاری شده است (به حرکات و اعتراضات اسفندماه شهرهای کردستان اشاره دارد). او و باندش میتوانند به همین خیال باشند و هر شب پس از بیداری از کابوس شکست "جبهه کردستانی" شان، خواب فدرالی ببینند. اما واقعیات، سرسختانه تر از هر افشاگری سیاسی ما، خواب و خیال از سر این باند خیالاتی شده

بلاهت زده میبراند. گذشته از اینکه تکرار مدل کردستان عراق در کردستان ایران، از نظر هر کسی که حداقلی از تجربه و دانش سیاسی دارد نامتصور است و این الگوسازی نهایتا دارندگانش را به درماندگی میراند، سوال واقعی اینست: مگر در کردستان عراق چه اتفاق افتاده است؟ آیا در حالیکه آمریکای صاحب اختیارشان در باطلاقی از تناقض گرفتار شده است، نوشتن بندی میهم در قانون اساسی موقتی که معلوم نیست چند ماه عمر میکند، چه دردی از تناقضات این دو حزب ارتجاعی دوا میکند؟ تناقضاتی که نه فقط در کشمکشهای میان خودشان و در سطح سراسری میان آنها و شرکا و رقبای اسلامی و عشیره ای و

ناسیونالیستشان، بلکه همچنین در قبال توقعات مردم کردستان هر روز بیشتر خود را نشان میدهد و گریبانشان را میگیرد. واقعیت، بر خلاف دنیای خیالاتی امثال مهدی، اینست که اولاً خود مردم کردستان عراق که اینها را تا مغز استخوان شناخته اند با سردی تمام به این ماجرا برخورد کردند، ثانیاً احزاب حاکم بر کردستان عراق و شریک در جنگی که کل جامعه عراق را به این اوضاع جهنمی کشانده، خودشان هم امید به کسب فدرالیسم کذایی ندارند، برعکس، در هر اسناد به همان باطلاقی بیفتند که بوش و برمر در آن گرفتارند و به این دلیل در کشمکش های اخیر، نمایش فاصله گرفتن از آمریکا را بازی کردند. این باطلاق اما



اقتصادی و سیاسی هستم که روز بعد از مه هم بتوان در تابلوی اعلانات هر کارگاه و کارخانه ای چسباند و در مقابل کارفرما و دولت از آن دفاع کرد و هر کارگری بتواند آن را دست بگیرد و روی میز صاحب کار بگذارد و مطالباتش را بخواهد... اما باز هم تاکید میکنم که از همین حالا میبایست پشت چنین قطعنامه ای نیروی وسیع از کارگران و خانواده هایشان ایستاده باشند و این دست همه فعالین و رهبران کارگری را در این روزهای قبل از مه میبوسد. به امید ابراز وجود اجتماعی میلیونیان در اول مه در سراسر جهان و آرزوی موفقیت برای همه مان. ■

روز لازم است به جامعه اعلام کنیم که ما چه میخواهیم و علیه چه به میدان آمده ایم. باید تلاش کرد تمام محرومان جامعه را، تمام آزادیخواهان را، حول کیفرخواست طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری، حول انسانی ترین مطالبات خود بسیج کرد. به این معنا این روز مناسبی برای اعلام تمام و کمال خواسته هایمان در سخنرانیها و بیانات پر شور روز کارگر است. باید همه مردم را به شرکت در مراسمهای روز کارگر فراخواند. کارگاه به کارگاه، محله به محله و مدرسه به مدرسه رفت و فراخوان تجمع و مراسمهای این روز را به گوش مردم رساند و همگی را به آن دعوت کرد.

خالد حاج محمدی: خانواده کارگران بخشی از خود کارگراند و تمام فلاکتی که دامنگیر زن یا مرد کارگر است فوری در زندگی همگی افراد خانواده کارگری بازتاب پیدا میکند. لذا روز کارگر به همه احاد خانواده کارگری به یکسان مربوط است، همچنانکه فقر و بیکاری و فلاکتش مربوط است. قبلاً



با خالد حاج محمدی

هم گفتم که این روز و قدرتمایی که در این روز طبقه کارگر از خود نشان میدهد، به همه محرومان جامعه مربوط است. به این اعتبار اول مه روز همبستگی جهانی همگی ما نیز است. بحث تنها این نیست که مردمی که عدالتخواه هستند لازم است در این روز از کارگر و خواست او و به احترام به این طبقه کار را تعطیل و در مراسمهای شرکت کنند. بحث تنها اعلام همبستگی با طبقه کارگر نیست. مردم محروم و هر کس که دنیایی انسانی، برابر و آزاد و قابل تحملتر را آرزو دارد، باید در این روز به صف کارگران بپیوندد و مردم را به شرکت در این قدرتمایی دعوت کند. به این دلیل

ساده که ذینفع است. به این دلیل ساده که تامین آرزوهایش در گرو تقویت این جنبش انسانی است. لذا بر همه ماست که در این روز هر چه در توان داریم برای تعطیل کردن این روز و برپایی مراسمهای باشکوه بکوشیم. هر میزان پیشرفت در این مسیر، تقویت جبهه عدالت و آزادیخواهی در مقابل جبهه تحقیر و تحمیق و بردگی مردم، در مقابل صف سرمایه داران و حکومت اسلامیشان است و همه ما در آن ذینفع هستیم.

کارگران در سال گذشته برای دستیابی به مطالباتی از جمله: دستمزدها، اخراج، حقوق های معوقه، ایمنی

محیط کار... حرکات اعتراضی زیادی را انجام دادند، بنظر شما در اول ماه مه چه مطالبه و شعاری باید محور مبارزاتی شان قرار داده شود؟ در قطعنامههایی که در این روز به تصویب برسد چه نکاتی باید گنجانده شود؟

خالد حاج محمدی: من فکر میکنم در دو سطح میشود در این زمینه صحبت کرد. اول اینکه باید علیه نظام سرمایه داری و فلاکتی برای مردم به ارمغان آورده است، علیه بردگی مزدی و مناسبات حاکم، اعلام جرم کرد و همزمان خواهان دنیایی آزاد و برابر شد. در سطحی دیگر باید مطالبات معین دیگر خود را مشخصتر که در همین توازن قوا اجرای آن مقدور است را

طرح و خواستار شد. لازم است اصلی ترین خواستههایمان را که تامین آنها سطحی بهتر از زندگی برای طبقه کارگر را ممکن میکند را طرح کرد. این مطالبات از افزایش دستمزدها، ممنوعیت بیکارسازیها، بیمه بیکاری و پرداخت حقوق معوقه را تا حق تشکیل و اعتصاب و آزادی بیان و بسیاری خواستههای دیگر را در بر میگیرد. همزمان در مقابل اقدامات جمهوری اسلامی برای اخراج کارگران افغانی که همسرانشان ما هستند لازم است ایستاد و آنرا محکوم کرد. این دوره دوره بسیار خطیری است، اقشار مختلف مردم از معلم و پرستار تا دانشجویان و زنان و... در حال یک مبارزه هر روزه با رژیم هستند. ما بیش از هر زمان باید از مبارزات

بخشهای مختلف مردم برای تامین مطالباتشان و عقب راندن جمهوری اسلامی، پشتیبانی کنیم. تامین یک زندگی انسانی تر، مرفه تر و آزادتر و کم مشقت تر در همین توازن قوا موجود قابل تحقق است و باید با اتکا به نیرو و توانمان اینها را به رژیم و سرمایه داران تحمیل کرد. لازم است هر نوع یورش نیروهای رژیم را به مبارزات کارگران و مردم از جمله در خاتون آباد و در هر جایی که پیش آمده باشد را شنیدنا محکوم کرد. به هر حال من فکر میکنم مطالبات در این چهار چوب میگنجد. در خاتمه همینجا اول ماه مه را به همه کارگران و مردم آزادیخواه تبریک میگویم. امیدوارم همگی شاهد جشن و مراسمهای باشکوه به مناسبت اول مه باشیم.



پایانی که از اول پیدا بود

برای عبدالله مهتدی یک پناهگاه روانی، یک کاخ رویایی، یک سرچشمه الهام و خواب قدرت دیدن است. عمق درماندگی این باند را میتوان با این متر اندازه گرفت. مهتدی و باندش را با شکست "جبهه کردستانی" و خواب فدرالی به حال خود باید گذاشت. باید در سطح وسیعتر و اجتماعی تری، تلاش ارتجاع راست جامعه کردستان برای سمپاشی ناسیونالیستی اذهان مردم را در هر شکل آن به شکست بکشانیم. کل "جنبش کردیایه تی" را در این دوره باید به حاشیه راند. آنچه

مهتدی و دارودسته اش "جنبش کرد در ایران" مینامند، آن خرافات ملی و قومی که اینها بیشرمانه "خودآگاهی ملی" میخوانند، گوشه کوچک و پرتناقضی از یک جنبش وسیع تر و بازم پرتناقض تر به آخر خط رسیده است که مرکز اصلی آن در چند دهه اخیر در کردستان عراق بوده است، جنبشی که بخصوص طی ۱۳ سال گذشته امتحان خود را پس داده و واقعیت ارتجاعی، تماما دست راستی و شدیداً عقبمانده خود را در هزاران شکل و جلوه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جلو چشم

میلیونها مردم رنج دیده و تشنه آزادی کردستان پهن کرده است. "جنبش کردیایه تی" اگر زمانی در تقابل با ستمگرهای وحشیانه دولت های مستبد و شوونیست، بعنوان یک کانال سیاسی موجود، بخشهایی از اعتراض واقعی مردم به ستمگری ملی را در راستای منافع طبقات ارتجاعی جامعه کردستان کانالیزه میکرد، از اوائل دهه نود میلادی و بدنبال جنگ اول خلیج دیگر تماما به بازیچه حقیر و بی ارج و قرب سیاست امپریالیستی آمریکا در منطقه بدل شده و دیگر ربطی به امر رفع ستم ملی از مردم ستم دیده ندارد. این جنبش بویژه از یک سال پیش، با جنگ آمریکا در عراق،

پشت سر آمریکا صف کشیده است درحالیکه آمریکا در معادلات میلیتاریستی و امپریالیستی خود از آن بمشابه مشتبی دارودسته های عشایر مسلح در صف آخر "متحدان" خود استفاده میکند. دو حزب طالبانی و بازرانی اکنون بخشی از ساختار ارتجاعی و سناریو سیاهی جامعه عراق اند و نه فقط کوچکترین ربطی به منافع مردم ستم دیده کردستان ندارند بلکه در قطب مقابل آنها و همه مردم ستم دیده عراق قرار دارند.

به این ترتیب با توجه به موقعیت ابرکتیو جنبش "کردیایه تی"، میتوان به روشنی گفت که مدتهاست وقت آن رسیده که توده مردم کردستان

"کردیایه تی" را کنار بگذارند. برای رسیدن به آزادی و رفاه و عدالت و حل مشکلات سیاسی، از جمله رفع ستم و تبعیض ملی، ضروری است که این مردم هرچه بیشتر به برنامه و سیاست کمونیسم کارگری رو بیاورند، جنبشی که هم برای حل مساله کرد و رفع ستم ملی راه حلهای روشن دارد و هم علیه همه تعصبات شوونیستی و ناسیونالیستی اعم از ایرانی و فارسی و ترکی و عربی و کردی و غیره ایستاده است و مشعل هویت انسانی را در برابر همه این هویتهای جعلی و خرافی و تفرقه افکن و مصیبتبار، بلند نگاه داشته است.

آپریل ۲۰۰۴

سایت بروسکه لیست سیاه اطلاعات رژیم اسلامی را تکمیل می کند

چند روز پیش نوشته ای از طریق سایت بروسکه (سایت سازمان زحمتکشان) انتشار پیدا کرده است. در این نوشته ضمن تداوم خصومت کور با حزب کمونیست کارگری، اشخاصی را که هم اکنون در ایران زندگی می کنند، به عضویت و هواداری از حزب کمونیست کارگری ایران منتسب کرده اند. اطلاعات و نیروهای سرکوب رژیم تلاش بسیار نمودند که تشکلهای کارگری امثال اتحادیه خبازان سقز را به بهانه ارتباط با احزاب اپوزیسیون و بالاخص حزب کمونیست کارگری مورد تعرض قرار دهند، سعی کردند دفاترشان را ببندند، شخصیتها و رهبرانیشان را سر به نیست کنند. اما به دلیل اینکه مدرکی

نداشتند، تا حالا موفق به چنین کاری نشده اند. سایت بروسکه مثل اینکه میخواهد کمبود مدرک سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی را جبران کند و به مدرک سازی جعلی و پاپوش دوزی علیه فعالین کارگری و انسانهای شریف تشکل خبازان شهر سقز پناه برده است. چه کسی جز اطلاعات رژیم می تواند در این مخیر باشد که به میل خود افرادی را در یک نوشته علنی به نمایندگی و عضویت احزاب سرنگونی طلب و حزب کمونیست کارگری منتسب کند؟ ما بارها تاکید کرده ایم که باند زحمتکشان و به طبع از آنها سایت بروسکه، سازمان و نهاد سیاسی نیستند. بلکه جریان قوم پرست سیاهی

از سایت

کمیته کردستان

حزب کمونیست

کارگری ایران

دیلن کنید!

www.iskraa.com

دبیرخانه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ فروردین ۱۳۸۳

۱۸ آوریل ۲۰۰۴